جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه‌شنبه ۲۹ فروردین ۱۴۰۲ - ۲۷ رمضان ۱۴۴۴
سال بیست‌وپنجم- شماره ۶۷۳۴ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

اولین روایت سعودی از شب وحشت آرامکو

■ وزیر انرژی عربستان: ممکن است همه چیز را در زندگی خود فراموش کنم اما روزی را که به میدان نفتی بقیق رفتم، فراموش نخواهم کرد؛ روز سیاهی بود، منطقه در تاریکی فرورفته بود، احساس شکستی داشتم که در عمرم تجربه نکرده بودم. حدود ساعت ۱۱شنبه شب بود وقتی تنها در ۲۰ دقیقه نیمی از ظرفیت تولید خود را از دست دادیم متوجه شدم وضعیتی ترسناک است

■ مدیرعامل آرامکو: من (از شدت عجله) شلوارک و زیر پیراهن، و دمپایی پوشیده بودم و حتی فرصت نکردم کفش‌ها یا جوراب‌هایم را بپوشم. حتی وقت نکردم که لباسم را مرتب کنم و خانه را با عجله ترک کردم. برای اولین بار در زندگی زبانه کشیدن آتش را از دور دیدم و ۱۳ نقطه آتش سوزی بزرگ رخ داده بود

از فحوای اعتراف مقامات ارشد عربستان درباره عملیات آرامکو برداشت می‌شود که این حادثه سعودی‌ها را به این باور رساند که برای بیرون آمدن از باتلاق یمن باید در سیاست‌های اعلانی خود در منطقه تغییراتی دهند و توافق با ایران و نشستن پای میز مذاکره با یمنی‌ها همگی آثار تلفاتی است که در آرامکو به ریاض تحمیل شد | صفحه ۱۵

خودرو وزیر را پیاده می کند

وزیر صمت برای بار دوم استیضاح می‌شود و آن‌طور که نمایندگان با قوت اعلام کرده‌اند این‌بار کار او تمام است. با آنکه وزارت صمت بخش‌های زیادی دارد اما این «خودرو» است که وزیر را پیاده می کند. دیروز از طرف دو قوه، فرمان فاطمی‌امین را پیچاندند؛ اول مقننه که استیضاح او را اعلام‌وصول کرد و دوم شخص اژه‌ای که گفت «وزیر صمت اختیارات گرفت تا قیمت خودرو را نصف کند، اما چه‌شد؟!» و این در مناسبات دوقوه اظهارات تندی به‌حساب می‌آید. خودروی پژو یک‌میلیاردی -با آنکه حیف از یک پول سیاه برای خودروهای داخلی در مقایسه با فناوری‌های روز دنیا در این صنعت- روی همه چیز اثر می گذارد، هم روان مردم، هم کالاهای دیگر و هم حالا روان مسئولان! در دولت‌ها و مجلس‌های قبلی استیضاح وزیر صمت به‌خاطر نفوذ اقتصادی روی نمایندگان کار حضرت فیل بود اما اکنون که دولت و مجلس انقلابی داریم باید یک استیضاح در کمال سلامت و با منطق و استدلال و با آینده‌نگری و واقع گرایی صورت بگیرد نه رفتاری بی‌نتیجه. وزیر بعدی آیا خودروی یک میلیاردی را نصف یا یک‌سوم می کند یا این فقط یک مرهم است؟! شاید بیش از هر کس برخی از دیگر وزیران خشنود باشند که در فهرست تغییر بودند و حالا برای از حد نصاب نیفتادن دولت، باقی خواهند ماند | **صفحه ۴**

هزاران موشک مقاومت اسرائیل را محاصره کردند

■ زیاد النخاله: دهها‌هزار موشک مقاومت، اسرائیل را در غزه و لبنان محاصره کرده است و مقاومت در کرانه باختری و غزه و نیروهای مقاومت در منطقه یک حالت بازدارندگی را در مقابل اشغالگری اسرائیل ایجاد کرده‌اند. در واقع مقاومت نوعی توازن بازدارندگی را بر رژیم اشغالگر تحمیل کرده است | صفحه ۱۵

خودزنی ربع و رژیم در تل آویو

■ رسانه‌های ضدانقلاب فارسی و نیز رسانه‌های صهیونیستی خبر از سفر رضا پهلوی به سرزمین‌های اشغالی داده‌اند. او خودش هم با ذوق توئیت زده و گفته در راه اسرائیل هستم| صفحه ۲

مغزم سوت کشید!

ماسک: پیام‌های خصوصی توئیتر را کاخ سفید می‌بیند

شعارهای پرطمطراق و بیانیه‌ها و قطعنامه‌های پشت‌سرهم به اسم حقوق بشر و آزادی بیان! اما اینها همه پوششی است برای ضدبشری‌ترین اقدامات، نه فقط در میدان جنگ، بلکه حتی در توئیتر! حالا یکی از خود همین یانکی‌ها هم مغز سرش از این همه محدودیت و دیکتاتوری رسانه‌ای سوت کشیده است. آزادی رسانه که یکی از ارکان دموکراسی غربی است، در گذشته هم رسوا شده بود، اما اظهارنظر جدید ایلان ماسک، نوبر این رسوایی‌هاست. مالک جدید توئیتر گفته است دولت امریکا به همه محتویات کاربران توئیتر دسترسی داشته است، حتی محتوای دایرکت‌ها!

ایلان ماسک، افشا کرد که دولت امریکا به اطلاعات و پیام‌های خصوصی کاربران این شبکه اجتماعی دسترسی کامل داشته و او از این موضوع خبر نداشته است!

ماسک که به‌تازگی یک شرکت هوش مصنوعی به نام «ایکس. اِی‌آی» تأسیس کرده، گفت: از میزان دسترسی کامل و عملی سازمان‌های دولتی (امریکا) به همه اتفاقاتی که در توئیتر رخ می‌دهد، مغزم دارد سوت می‌کشد! از این موضوع خبر نداشتم.

وی در پاسخ به این پرسش که «آیا این دسترسی، پیام‌های خصوصی(دایرکت) را هم شامل می‌شود»، تأکید کرد: بله.

ماسک همچنین با ابراز نگرانی درباره موج اخیر هوش مصنوعی گفت که این فناوری می‌تواند تمدن بشر را نابود کند.

شبکه فاکس قرار است دوشنبه شب به وقت امریکا نسخه کامل مصاحبه با ایلان ماسک را پخش کند.

مالک فعلی توئیتر در اواسط اسفندماه گفته بود که می‌خواهد رمزنگاری را به دایرکت‌مسیج‌ها بیاورد، اما مشخص نیست که این سازوکار امنیتی بالاخره در این شبکه اجتماعی پیاده‌سازی شده است یا خیر، چرا که بعضی از وعده‌های او هنوز عملی نشده‌اند.

افشاگری جدید ماسک درباره دیده شدن پیام‌های خصوصی از زمان انتشار تاکنون بیش از ۱/۳میلیون بار دیده شده و بحث‌های زیادی را به‌وجود آورده است. کاربران حالا مشتاق‌اند تا ببینند از کل این مصاحبه چه چیز بیشتری دستگیرشان می‌شود و واکنش مدیران سابق توئیتر به این ادعاها چیست. از طرف دیگر حتی مسئولان دولت ایالات‌متحده هم شاید به این اظهارات واکنش نشان دهند.

یادداشت سردبیر

غلامرضا صادقیان

هوشمندسازی نان مقهور کلک‌های ساده

هوشمندسازی فروش نان که حکماً با جلسات متعدد فنی یک‌دوجین آدم متخصص و مشاور و معاون و مدیر از چند وزارتخانه تصمیم‌گیری شده است، با ترفندهای ساده خبازان دور زده می‌شود و صف‌های نان همچنان یکی از نقاط ناراضی‌تراش باقی می‌ماند. حالا طبق اعلام وزیر اقتصاد، بخش آرد و نان از مجموعه حذف ارز ترجیحی به این وزارتخانه واگذار شده که این تغییر معنادار است.

در یکی از ترفندها نانوایان بسته‌های نان پخت سنتی را که به اسم نان قزوینی و نان خراسانی است و اتفاقاً محبوبیت هم دارد و بیشتر در نانوایی‌های روستایی با آرد آزاد پخت می‌شود، به مشتری عرضه می کنند و بهای آن را با کارتخوان هوشمند حساب می کنند. مثلاً بسته ۲۵هزارتومانی نان خراسانی را که شاید از روستاییان ۲۰هزارتومان خریده باشند، به عنوان فروش پنج‌نان سنگک کارت می‌کشند. برخی نانوایی‌ها چیزهای دیگری هم می‌فروشند از کلوچه و نان‌قندی و نان‌شیرمال تا عسل (با این عنوان که مال کوه‌های اطراف روستای خودمونه!) تا زعفران (که از تولید به مصرف است!) همه را با کارت هوشمند (که اتفاقاً اینجا دیگر کاملاً خنگ است و تشخیص نرخ عسل و کلوچه را از نرخ نان نمی‌دهد) حساب می کنند.

حالا نانوا اولاً چیزی را که اجازه فروشش را ندارد یا اجازه فروشش را با کارت هوشمند ندارد، با قیمت خوب می‌فروشد و سودی از آن می‌برد. در مرحله بعد به جای همه این فروش‌ها از دولت آرد سهمیه‌ای می گیرد، اما چون به اندازه آن نان طبخ نمی کند، اضافه آن را که با این ترفند به دست آورده به قنادی‌ها و نان باگتی‌ها می‌فروشد. به چه قیمتی؟ حتماً گران‌تر از نرخی که از دولت می گیرد و ارزان‌تر از نرخی که قنادی‌ها از دولت آرد آزاد می‌خرند. فساد بعدی آنجاست که قنادی‌ها این آرد را با قیمت ارزان‌تر خریده‌اند، اما این را به حساب زرنگی و بدهبستان خود با نانوایی‌ها می گذارند و نرخ شیرینی را با همان آرد آزاد محاسبه می کنند.

علاوه بر این در بیشتر سنگکی‌ها فقط با پاشیدن کمی کنجد در یک‌طرف نان که می‌توان تعداد کنجدها را به‌راحتی شمرد، نان ۳هزارتومانی را ۵هزارتومان و با پاشیدن همان مقدار کنجد در دوطرف، نان ۳هزارتومانی را ۱۰هزارتومان می‌فروشند. اغلب سنگکی‌ها روی همه نان‌ها همین چند کنجد زبان‌بسته را می‌پاشند و اگر کسی نان ساده خواست به او نمی‌دهند تا در صف، خسته از انتظار مجبور به خرید نان گران‌تر شود! یعنی یک کار بسیار غیراخلاقی و بسیار مستبدانه؛ و اگر مسئولان بدانند که همین تفاوت ۲هزارتومانی برای خیلی از مشتری‌ها اهمیت دارد می‌توانند بفهمند که چه جفایی در حق فقرا می‌شود. دولت و سازمان‌های نظارتی هم کاملاً از این ترفندها آگاه و در مقابل آن ساکت‌اند و فقط گاهی یک هیاهوی مختصری به اسم مقابله با تخلفات نانوایی‌ها از خود بروز می‌دهند. این گونه است که هم نان و درآمد نانوا حرام می‌شود و هم نان به کام مردم، حرام!

ترفند دور زدن سامانه‌های جدید هوشمند با سکوهای فروش اینترنتی پیچیده‌تر هم شده است. نرخ نان در این سامانه عملاً به حال خود رها است. سنگک ۳۰هزارتومانی هم در سکوی اینترنتی دیده می‌شود. این نان نجومی موجب صف‌های طویل جلوی نانوایی هم شده است؛ به این شکل که نانوا به‌جای آنکه سنگک ۵هزارتومانی را با کارتخوان‌های هوشمند به مردم در صف ایستاده بفروشد، همان نان را به شش برابر قیمت در سکوی اینترنتی می‌فروشد! به‌خاطر این سود نجومی از یک سنگک (یا بربری یا تافتون)، نانوایی‌ها ترجیح می‌دهند سفارش‌های اینترنتی را نوبت بدهند تا سفارش‌های حضوری را. حالا حساب‌وکتاب آرد سهمیه سنگک ۳۰هزارتومانی در سکوی اینترنتی و سامانه‌های برخط تعبیه شده چه می‌شود، کسی دیگر و فعلاً خبری ندارد!

مسئله صف‌تکی و صف چندتایی هم دقیقه‌ای نیست که صدای مردم را در صف نان درنیاورد. گاهی کسی که سه تا نان می‌خواهد و ۲۰دقیقه در صف ایستاده باید از چند نفر که تازه از راه رسیده‌اند و فقط یک نان می‌خرند یا حتی زن‌وشوهر هستند و با هم در صف تکی می‌ایستند، عقب بیفتد و این صدای اعتراض او را بالا می‌برد و بقیه ماجرا.

وضع پخت نان هم همچنان با کیفیت نامناسب در بسیاری از نانوایی‌ها ادامه دارد. شاطر خوب کم است و کسی از این شغل استقبال نمی کند و شاطر ضعیف نصف نان را خمیر می کند و نصف دیگر را سوخته!

بارها گفته شده که هیچ مسئول و مدیر دولتی و نماینده مجلس و مدیر قضایی در صف نان نمی‌ایستد و این یکی از افتراق‌های مسئولان با مردم است و این دقیقاً همان جاهایی است که مردم مسئولان را قضاوت می کنند. مردم در صف نان مسئولان را می‌سنجند و مسئولان در صف‌های دیگری هستند و گمان می کنند مردم آن‌ها را در پشت تریبون‌ها و هنگام شعارها قضاوت می کنند.

نان مردم را سامان بدهید. طرح‌های هوشمندسازی شما از پس هوشمندسازی مردم برنمی‌آید! خنگ‌بازی هم حدی دارد. باید مسئولیت‌پذیر بود و در این موارد اجازه سوءاستفاده به صنوف را نداد.

این لشکر کودک برای مسئولان نامریی است

■ **حسن فرامرزی**

- ۱۲۰ هزار کودک کار در کشور هستند.
- سازمان بهزیستی با جمع‌آوری کودکان کار و خیابان مخالف است.
- جمع‌آوری این کودکان مشکل آنها را حل نمی کند.
- شاهد افزایش زباله‌گردی کودکانیم.

گاهی حس می کنی «مسئولان» نقش خود را با «ماشین خونسرد اعلام آمار» اشتباه گرفته‌اند. مصاحبه اخیر سرپرست دفتر امور آسیب‌دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی را به یاد بیاورید. محوری‌ترین بخش‌های مصاحبه او همان چهار گزیده‌ای است که در رسانه‌ها بازتاب یافته است.

چهارراه‌ها، معابر، قطارها و ایستگاه‌های مترو را تسخیر کرده‌اند و هر روز از چشم و گوش و دست و پای کارمندان، کارگران و دهک متوسط و زیر خط فقر این جامعه بالا می‌روند، دهکی که خود زخم‌خورده تورم بالاست و حالا خود را خلع سلاح روبه‌روی اسلحه کارآمد این کودکان می‌بیند: «التماس و فحاشی» تا سرانجام تسلیمت کنند.

به محض اینکه در چهارراه توقف کنی ماشینت را محاصره می کنند، خدمات اجباری است و رد کردن خدمات برای آنها پشیزی ارزش ندارد. همچنان که برایشان مهم نیست چراغ تقاطع سبز شده باشد یا نه، این سبز و قرمز برای کسانی معنا دارد که چیزی برای از دست دادن دارند و مجبورند مطیع دوربین‌های نظارتی باشند اما برای این کودکان، امر و نهی‌های قوانین بیش از حد شیک و مسخره به نظر می‌رسد، آنها چیزی را جدی نمی گیرند شاید چون کسی نیست که آنها را جدی بگیرد: «سازمان بهزیستی با جمع‌آوری کودکان کار و خیابان مخالف است.» و توانتظار داری جمله این مسئول ادامه داشته باشد و بگوید با چه موافق است، اگر جمع‌آوری راهکار نیست پس چه باید کرد؟ این جای داستان کاملاً مسکوت گذاشته شده است.

تو به عنوان یک مسئول می‌توانی کودکان کار و خیابان را فقط در حد اعداد و ارقام به رسمیت بشناسی: ۱۲۰ هزار کودک کار در کشور هستند، همین قدر خونسرد و بی روح، می‌توانی در به یاد آوردن این کودکان، عصب و گوشت و پوست خود را فرسخ‌ها دور نگه داری، می‌توانی چشم و گوش خود را در تقاطع‌ها ببندی یا خود را به نمودارها و ارقام گزارش کاری جلسات پربارت مشغول کنی، با این همه با مشغول شدن تو به ارقام و نمودارها آن کودک از چهارراه یا پیاده رو یا ایستگاه‌ها و قطارهای مترو غیب نخواهد شد.

چرا مقامات ما گمان می کنند اگر گزاره‌های بدیهی را که مردم هر روز به‌عینه در کوچه و خیابان لمس می کنند به کرات در تریبون‌ها تکرار کنند به وظیفه ذاتی خود عمل کرده‌اند؟ آیا واقعاً این خبر است که یک مقام مسئول بگوید: «شاهد افزایش کودکان زباله‌گرد هستیم» و آن وقت رسانه ما این توضیح واضحات را به عنوان یک خبر منتشر کند؟ واقعاً حرف نو و نکته تازه‌ای در این گزاره وجود دارد؟

این انتظار زیادی است که مقامات وقتی در انظار ظاهر شوند که کاری کارستان کرده باشند و بخواهند به شکل کوتاه گزارش آن کار کارستان را به مردم ارائه کنند؟ آیا توقع زیادی است که سازمان بهزیستی فقط زمانی درباره کودکان کار و خیابان اظهار نظر کند که کاری کارستان و ویژه درباره آنها کرده باشد، نه اینکه در محافل رسانه‌ای ظاهر شود فقط برای اینکه اعلام کند: «جمع‌آوری این کودکان مشکل آنها را حل نمی کند.»

امروز ما در تهران تصویرهای آخرالزمانی می‌بینیم، تصویرهایی که ماکت کوچک یک قیامت را به ذهن آدمی متبادر می کند. تصویرهایی که در تضاد کامل با آن سه بیتی هستند که سال‌هاست سرمان را به خاطرش بالا گرفته‌ایم و تفاخر می کنیم: بنی‌آدم اعضای یکدیگرند/ که در آفرینش ز یک گوهرند/ چو عضوی به درد آورد روزگار/ دگر عضوها را نماند قرار/ تو کز محنت دیگران بی غمی/ نشاید که نامت نهند آدمی، اما من و تو خوب می‌دانیم این ابیات فقط روی پوست شهر زندگی می کنند، جلوتر نمی‌آیند و در متن واقعیت روابط ما با همدیگر به ظهور نمی‌رسند. دیروز در قطار مترو دخترک هشت، نه ساله‌ای دیدم که انگار دوره فشرده فروشندگی به هر قیمت را همراه با طنازی، زبان‌بازی و فحاشی گذرانده بود. گمان نمی کنم دانش‌آموختگان مراکز آکادمیک ما بتوانند بعد چهار سال چنین مهارتی را در دانشجویان خود پرورانده باشند. دیدم مثل یک شکارچی حرفه‌ای، مثل یک یوزپلنگی صبور طعمه خود را انتخاب می کند، آرام آرام به طعمه نزدیک می‌شود و به حرفه‌ای‌ترین شکل ممکن اسلحه‌هایش را یکی پس از دیگری از چرب‌زبانی و تعریف و تمجید و دلبری تا سرانجام فحاشی از غلاف بیرون می کشد و بالأخره با یکی از این ابزارها قربانی خود را به تور می‌اندازد. کاش مدیران دستگاه‌های ما مثل این کودک ـ که به لطایف‌الحیل دستمال کاغذی جیبی هزار تومانی را ۱۰هزار تومان به یک مرد عاقل و بالغ فروخت ـ شم اقتصادی و فروش داشتند.

می‌توان ۵ ساله کنکور را حذف کرد

■ معاون نظارت و راهبری شورای عالی انقلاب فرهنگی در گفت‌وگو با «جوان»: یکی از مسئولان وزارت بهداشت می‌گفت ما یکی دو تا از این کشورهای آسیای میانه را که دانشجویان پزشکی ما رفته بودند، بازدید کردیم، وضعیت دانشجویان در اینجاها خیلی اسفبار بود، یعنی وضعیت خوابگاه و رفاه آنها خیلی بد بود. گفتم وقتی شما اینگونه التهاب ایجاد کردید و بازار را اینچنین تنگ کردید، از طرف دیگر فرد هم می‌خواهد هرگونه که هست شغل و درآمد خوب پیدا کند، می‌گوید من همه سختی‌ها را تحمل می‌کنم، ولی می‌خواهم در این رشته به کشور خودم خدمت کنم، اما اگر ظرفیت را این مقدار کاهش ندهید، این اتفاق نمی‌افتد | **صفحه ۳**

آمارهای مصرف آب در بخش‌های کشاورزی صنعت و شرب درست نیست!

■ محمود یزدانی، کارشناس آب در گفت‌وگو با «جوان»: آماری که مسئولان وزارت نیرو و وزارت جهاد کشاورزی اعلام و در رسانه‌ها نیز آن را منتشر می کنند که مصرف آب در بخش کشاورزی ۹۰درصد است، درست نیست. مصرف آب در بخش کشاورزی ۶۵/۵درصد است و ۳۵درصد مابقی در بخش شرب و صنعت مصرف می‌شود یا نشتی‌هایی که از طریق لوله‌های آب وجود دارد آن را هدر می‌دهد. با اجرای صحیح و مدیریت شده الگوی اصلاح کشت، بخش کشاورزی می‌تواند میزان مصرف آب را بهینه کند، در غیر این صورت با سیاست‌های کاهش تولیدات در بخش کشاورزی، امنیت غذایی‌مان تهدید می‌شود | **صفحه ۶**

سقوط اخلاق در صعود انبوه‌سازی

■ در محلی که حیوان هم تحمل زندگی و زنده ماندن ندارد، چگونه کانون خانواده می‌خواهد شکل بگیرد؟ اجاره دخمه‌ای شش متری تاریک و نمور در قعر زمین با قیمت ۷۰ میلیون تومان رهن و ۲ میلیون تومان اجاره در خیابان گرگان تهران یا هر جای دیگر کشور بیش از هر چیز، سقوط کانون خانواده، اخلاق و به قهقرا رفتن انسانیت است. سکوت مقابل این اتفاق هم، سقوط اخلاقی است که فروپاشی مرزهای انسانی را نظاره می‌کند، چرا در این مواقع مدعی‌العموم وارد نمی‌شود و اجازه فروش و اجاره هر دخمه‌ای را به منفعت‌طلبان می‌دهد؟! همین چند روز قبل بود که نقد آیت‌الله سبحانی مرجع عالیقدر شیعه را در باب آپارتمان‌نشینی و خطری که برای اسلامیت نظام دارد، منتشر کردیم. آیت‌الله معتقد است امکان تربیت دینی در آپارتمان وجود ندارد و از نظر اخلاقی ساخت آپارتمان صحیح نیست، چراکه زندگی آپارتمانی امکان ارتباطات همسایگان را فراهم نمی‌کند | **صفحه ۱۴**

صف‌آرایی بلوک جدید در دلارزدایی

■ رئیس‌جمهور برزیل، داسیلوا برای ایجاد یک ارز مشترک میان کشورهای بریکس ابراز تمایل می‌کند، وزارت امور خارجه هند در فروردین ماه اعلام می‌کند هند و مالزی از روپیه هند در معاملات تجاری بین دو کشور استفاده خواهند کرد، اتحادیه اقتصادی کشورهای جنوب شرق آسیا موسوم به «آسه آن» خبر از بررسی حذف دلار و سایر ارزها از مبالات تجاری بین کشورهای عضو خود و استفاده از ارزهای ملی می‌دهد و... همگی گویای این مهم هستند که یک اجماع جهانی به آهستگی برای یک اتفاق بزرگ اقتصادی آماده می‌شود | **صفحه ۱۲**

یادداشت سیاسی

حسین عبداللهی فر

الزامات مشارکت حداکثری در انتخابات

در زمینه اقتصادی باید راهبردهای اساسی به شکلی تنظیم شوند که مردم احساس کنند مسئولان، به ویژه نمایندگان مجلس برای کاهش مشکلات معیشتی آحاد جامعه، افزایش قدرت خرید و رفاه اجتماعی دارای ایده و برنامه هستند. بدون شک لازمه ارسال این پیام مقابله با تورم، کمک به تولید و افزایش اشتغال است که در تحقق شعار سال خلاصه می‌شود | **صفحه ۲**

یادداشت ورزشی

دنیا حیدری

تاج راست می‌گوید یا سخنگو؟

تاج صراحتاً در مجمع انتخاباتی هیئت فوتبال استان فارس تأکید کرد برای انتخاب سرمربی خارجی مشکل مالی نداریم و حرفش این بود که تنها مشکل فدراسیون در صورت انتخاب سرمربی خارجی بر سر پرداختی است، نه مسائل مالی! اما سخنگوی فدراسیون صراحتاً می گوید که فدراسیون پولی در بساط ندارد | **صفحه ۱۳**